

آداب سفر حج

سید علی قاضی عسکر

حج سفری معنوی و الهی است، راهیان حرم کبریایی و دلدادگان به خداوند، پیش از چنین سفری، باید برای راهیابی به حریم عشق، خود را آماده نموده، رنگ خدایی به خود بگیرند و زنگارهای گناه و نافرمانی را از جان و دل بزدایند تا زمینه را برای پذیرش خویش در پیشگاه حضرت حق فراهم کنند.

آنچه که می‌تواند زائر بیت الله الحرام را در دستیابی به این هدف یاری دهد عبارت است از:

۱ - هدفداری در مسافرت

سیر و سیاحت با انگیزه صحیح و عقلایی، در قرآن کریم مورد تأیید و تشویق قرار گرفته و از مؤمنان خواسته شده، با مسافرت نمودن به گوشه و کنار جهان، در سرنوشت ملت‌های گذشته بیاندیشند و عبرت گیرند؛ «أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم...»^۱

امام صادق -ع- فرمود: در حکمت آل داود آمده است: انسان عاقل را سزد که جز با



سه هدف به مسافرت نرود: ۱ - توشه‌ای برای فردای قیامت برگردد ۲ - مخارج زندگی را تأمین و ترمیم نماید ۳ - از راه حلال لذت ببرد.^۲

گاهی نیز هدف از مسافرت رفع خستگی و افسردگی است. انسان‌های خسته از رنج کار و تلاش، با سفر به مناطق مختلف و استفاده از مناظر زیبای طبیعت، خستگی را از تن بدر کرده، برای کار و کوشش بیشتر، آمادگی پیدا می‌کنند. پیامبر - ص - فرمود: مسافرت کنید تا سالم شوید.^۳

گاهی هم سفر با انگیزه ستیز با دشمن و یا حضور یافتن در دیار دوست شکل می‌گیرد که سفر به قصد جهاد و حج پاداش بهشت برین دارد. امیر مؤمنان علی - ع - در این زمینه فرموده است:

«برای مجاهدان راه خدا [که به خاطر دفاع از حیثیت و شرف خویش پا به میدان جهاد می‌نهند]، و برای آن کس که برای انجام حج از خانه بیرون می‌رود و در بین راه مرگ گریانش را می‌گیرد و ... بهشت را ضمانت می‌کنم.»^۴

۲ - توبه و استغفار

زائر این دیار باید قبل از ورود به سرزمین وحی، توبه نموده، گذشته سیاه و آلوده خود را با آب توبه بشوید.

امام صادق - ع - فرمود:

«إذا أردت الحج ... ثم اغتسل بماء التوبة الخالصة من الذنوب والبس كسوة الصدق والصفاء والخضوع والخشوع»^۵ «هنگامی که قصد حج کردی با آب توبه خالص، گناہانت را بشوی و لباس راستی و پاکی و خضوع و خشوع را بر تن کن.»

در قرآن نیز خطاب به مؤمنان آمده است:

«يا ايها الذين آمنوا توبوا الى الله توبةً نصوحاً»^۶ «ای ایمان آوردگان، به درگاه خدا توبه کنید، توبه‌ای از روی اخلاص که بازگشت به گناه در آن نباشد.»

و در آیه دیگری فرموده است:

«استغفروا ربكم ثم توبوا اليه يمتعكم متاعاً حسناً الى أجل مسمى و يؤت كل ذي فضل فضله ...»^۷ «از پروردگارتان آمرزش بخواهید و به درگاهش توبه کنید تا شما را

از رزقی نیکو، تا آنگاه که مقرّر است، برخوردار کند، و هر شایسته انعامی را نعمت دهد...»

پشیمانی از گناه، آغازی برای جبران گناهان است. امام سجّاد - ع - فرمود:

«الهی ان کان النّدم علی الذنب توبة، فانی و عزّتك من النّادمین، وان کان الاستغفار من الخطیئة حطّة فانی و عزّتك من المستغفرین، لك العتبی حتی ترضی.»^۸
 «خداوند! اگر پشیمانی از گناه، توبه است قسم به عزّت تو که من از پشیمانهایم، و اگر استغفار و طلب آمرزش موجب از بین رفتن گناه است، همانا من - سوگند به عزّت تو - از آمرزش طلبانم. تو را سزد که (بر ما) عتاب کنی تا باز (بلطف آیی) و خشنود گردی.»

توبه صحیح نیز مراحل دارد: ابتدا گناهکار باید پشیمان شود، سپس گناه را ترک کند و بعد از آن تصمیم بگیرد خود را به معاصی نیالاید. اگر مالی از دیگران برداشته یا به زور گرفته، آن را به صاحبان اصلی مسترد دارد و اگر صاحبان آن را نمی‌شناسد، به امام مسلمین و مرجع دینی زمان خود بسپارد. اگر با آبروی مردم بازی کرده، غیبت نموده، اتهامی به دیگران وارد ساخته، آن را با صاحبان حقوق مطرح و حلالیت بطلبد، و اگر دسترسی به آنها ندارد، تصمیم بگیرد در اولین فرصت ممکن آنان را یافته، عذر خواهی نماید. و اگر امکان دستیابی به آنان وجود ندارد از خداوند طلب مغفرت کرده، برای صاحبان حق دعا نماید.

و اگر حقی الهی به گردن دارد، نماز را ترک نموده، روزه نگرفته، و ... آن را جبران نموده، تدارک کند. و در نتیجه پس از آن که با آب توبه گناهان خود را شستشو داد، آمادۀ راهیابی به درگاه ربوبی شود.

ز منجّلاب هوس گر برون نهی قدمی	نزول در حرم کبریا توانی کرد
اگر ز هستی خود بگذری یقین می‌دان	که عرش و فلک زیر پا توانی کرد

۳- وصیت

مسافرت همیشه با خطر همراه بوده و هست. راه‌های طولانی و ناهموار، دزدان مسلّح، نبودن امکانات غذایی و بهداشتی و ناامن بودن راه‌ها و امثال آن، موجب می‌شد تا



تعدادی از مسافران جان به جان آفرین بسپارند و مظلومانه در گوشه‌ای به خاک سپرده شوند. در عصر کنونی نیز که امکانات فراوانی برای مسافران فراهم شده، باز خطراتی جان انسانها را تهدید می‌کند. افراد بشر، در زمین و آسمان امنیت لازم را ندارند. گاهی هواپیمای مسافربری بعثت نقص فنی سقوط می‌کند و تعدادی کشته می‌شوند. و گاهی دو اتومبیل باهم برخورد می‌کند و جان سرنشینان بی‌گنااهش را می‌گیرد. بنابر این هیچکس نمی‌تواند آینده‌اش را پیش‌بینی نموده و به بازگشت خویش مطمئن باشد. از این‌رو نوشتن وصیت امری ضروری و لازم است تا وارثان دچار مشکل نشده، تکلیفشان را بدانند.

امام صادق - ع - فرمود: «کسی که بر مرکبی سوار می‌شود لازم است وصیت کند.»

۴ - اخلاص در نیت

سالکان این طریق، لازم است با نیتی خالص و جانی پاک در سرزمین وحی گام نهند، آنان که دل به دیگری سپرده‌اند به قرب حق راه پیدا نمی‌کنند. خداوند در قرآن کریم فرموده است:

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»؛^۹ «و آنان را جز این فرمان ندادند که

خدا را بپرستند در حالی که در دین او اخلاص می‌ورزند.»

خداوند قبل از آن که به عمل آدمیان بنگرد، به نیت‌های آنان نظر می‌کند.

رسول گرامی اسلام - ص - فرمود: «انما الاعمال بالنیات»؛ «کارها بر اساس نیت‌هاست

و ارزیابی هر عمل بستگی به نیت و انگیزه آن عمل دارد.»

و نیز فرمود: «خداوند آن مقدار از عمل را که خالص و پاک برای او انجام شده

می‌پذیرد.»^{۱۰}

اخلاص شرط اساسی تمامی عبادات است و هر کس عبادتی را برای خودنمایی و ریا کاری، و یا دستیابی به امور مادی و دنیایی انجام دهد، کاری بی‌فایده انجام داده است و صاحبش از آن بهره نخواهد گرفت. این اصل تا آنجا اهمیت دارد که اگر رزمنده‌ای در میدان جنگ و جهاد شرکت نموده، برای رسیدن به غنیمت و یا چیره شدن در جنگ به تلاش نظامی دست زند و کشته شود، شهید بحساب نمی‌آید، و جایگاهش دوزخ است.

پیامبر - ص - در تقسیم‌بندی تنبّه‌آفرینی، حاجیان امت خود در آخر زمان را به سه دسته تقسیم فرموده‌اند:

- ۱ - ثروتمندانی که برای تفریح به حج می‌روند!
 - ۲ - گروه‌های متوسط جامعه که برای سوداگری و تجارت به زیارت خانه خدا می‌روند!!
 - ۳ - نیازمندان آنان که برای خودنمایی و ریاکاری حج می‌گذارند!
- سلمان پس از شنیدن این سخن، با شگفتی سؤال کرد: ای رسول خدا آیا چنین زمانی فرا خواهد رسید؟ و پیامبر - ص - فرمود: سوگند به آن خدایی که جان من در دست اوست اینها در آینده واقع خواهد شد.^{۱۱}
- امام صادق - ع - نیز فرمودند:

دو گونه حج وجود دارد: ۱ - حجی برای خدا ۲ - حجی برای مردم.
آن کس که برای خدا حج گزارد خداوند به وی پاداش بهشت دهد، و آن که برای مردم حج بجای آورد پاداش آن را در روز قیامت از مردم بگیرد!!^{۱۲}
بنابر این آنان که فقط برای خدا حج انجام دهند مورد رحمت و مغفرت پروردگار قرار خواهند گرفت.^{۱۳}

۵ - زاد و توشه حلال

حاجی باید زاد و توشه راه را از مال حلال تهیه کند.
پیامبر - ص - فرمود: خداوند پاکیزه است و جز پاکیزه را نمی‌پذیرد.
پیامبر - ص - فرمود: هنگامی که مردی با مال حرام حج می‌گذارد و می‌گوید: لبیک اللهم لبیک خداوند به او پاسخ می‌دهد: لا لبیک ولا سعدیک حتی ترّد ما فی یدیک.
و در روایت دیگری آمده است: لا لبیک ولا سعدیک و حجّک مردود علیک.^{۱۴}
خداوند در قرآن مؤمنان را به آنچه به رسولان خویش امر کرده، سفارش می‌کند و می‌فرماید: «یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحاً انی بما تعملون علیم.»^{۱۵} و فرمود: «یا ایها الذین آمنوا کُلُوا من طیبات ما رزقناکم.»^{۱۶}
حاجیان ژولیده موی و گرد و غبار بر چهره نشسته در سفر الهی حج، همه جا یا رب یا



رب گفته، خدا را می‌خوانند، کسی که غذا و پوشاک خود را از راه حرام تهیه نموده و با حرام رشد یافته چگونه انتظار دارد خداوند دعایش را پاسخ بگوید؟!

در اشعاری که به احمد بن حنبل منسوب است آمده است:

حَجَّجْتَ بِمَالٍ أَصْلَهُ سَحْتُ فَمَا حَجَّجْتَ وَلَكِنْ حَجَّجْتَ الْعَبِيرُ
لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا كُلَّ طَيِّبَةٍ مَا كُلُّ مَنْ حَجَّ بَيْتَ اللَّهِ مَبْرُورٌ^{۱۷}

۶- چشم به مال دیگران نداشتن

حاجی سزاوار است، چشم از مال دیگران برداشته، حج را عزتمندانه بجای آورد. ابن عباس گفته است: گروهی بدون تهیه زاد و توشه، حج می‌گزاردند، خداوند این آیه را نازل فرمود: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى».

عکرمه و مجاهد و جز آنان نیز گفته‌اند: گروهی از اعراب بدون همراه داشتن غذا و خوراکی لازم، به حج آمده می‌گفتند: ما توکل کننده بر خدا هستیم و برخی از آنان می‌گفتند: چگونه ممکن است که ما حج خانه خدا را انجام دهیم و او غذا به ما ندهد؟ و با این فکر و روش، باری بر دوش مردم شده، غذای اینگونه افراد را دیگران تأمین می‌کردند، خداوند آیه: «وَتَزَوَّدُوا...» را نازل و آنها را از این کار بازداشت.^{۱۸}

در تاریخ آمده است: برخی از فقهای ری نزد شبلی آمده از او خواستند با توکل بر خدا در حج همراهی‌اش کنند، او نیز با آنان شرط کرد: ۱- خوراکی با خود برندارند! ۲- از هیچکس درخواستی نکنند! ۳- از هیچکس چیزی نپذیرند! و آنان در شرط سوّم ماندند!! سپس شبلی گفت: شما توکل کرده‌اید لیکن بر خوراکی‌ها و غذاهای دیگر حاجیان!!^{۱۹}

احمد بن حنبل پیشوای حنبلیان درباره آنان که بدون زاد و توشه به سفر آمده‌اند گفت: من آن را دوست نمی‌دارم، اینان بر خوراکی‌های مردم توکل کرده‌اند.^{۲۰}

۷- تأمین مخارج زن و فرزند

حاجی قبل از سفر لازم است، مخارج زندگی زن و فرزندانش را تأمین نموده، سپس به حج مشرف شود.

آن کس که توان تأمین زندگی و هزینه خوراک و پوشاک خانواده خود را ندارد مستطیع نبوده، حج بر او واجب نیست.

امام صادق - ع - به نقل از پدر بزرگوارشان فرموده‌اند: «... من استطاع الیه سبیلاً» در آیه بمعنای گستردگی در مال است؛ به شکلی که با قسمتی از آن حج انجام داده و با باقیمانده آن خوراک (و زندگی زن و فرزندش) را تأمین کند.^{۲۱}

در جای دیگر فرمود: «حج خانه خدا واجب است بر کسی که راهی بسوی آن بیابد و آن، توشه و وسیله سفر همراه با سلامتی است و نیز بجای گزاردن نفقه خانواده و آنچه پس از حج بدان نیاز دارد.»^{۲۲}

صاحب جواهر - رحمه الله علیه - چهارمین شرط از شرایط استطاعت را، داشتن امکانات مالی به اندازه رفع نیاز، و تأمین مایحتاج زن و فرزند دانسته می‌فرماید: آن کس که چنین توانی ندارد حج بر او واجب نیست (بلا خلاف أجده، بل ربما یظهر من بعضهم الإجماع علیه...) ^{۲۳}

۸ - انتخاب زمان مناسب

شنبه از روزهای هفته، بهترین روز برای آغاز سفر است.

ابو ایوب خزاز و عبدالله بن سنان از امام صادق - ع - معنای این فرموده خداوند بلند مرتبه را جویا شدند که: «فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل الله ...»؛^{۲۴} حضرت فرمود: نماز، روز جمعه، و پراکنده شدن روز شنبه.^{۲۵}

سزاوار است که انسان روز جمعه را برای فراگیری مسائل دینی، و بهره‌گیری معنوی قرار دهد.

امام باقر - ع - فرمود: «پیامبر - ص - روز پنجشنبه را برای مسافرت انتخاب می‌فرمود.»^{۲۷}

آنحضرت همچنین در جای دیگری می‌فرماید: «روز پنجشنبه را خدا، فرشتگان و رسول خدا - ص - دوست دارند.»^{۲۸}

کراحت سفر در روز جمعه، برای این است که مردم در نماز جمعه شرکت نموده، حضور



خود در صحنه را به نمایش بگذارند. امام صادق -ع- فرمود: «کراحت (سفر در روز جمعه) بخاطر نماز است.»^{۲۹}

۹ - غسل

مستحب است مسافر در آستانه حرکت غسل کند و هنگام غسل بگوید: «بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله...»

و نیت غسل را، توبه، حاجت، زیارت، طلب خیر، نماز و دعا قرار دهد. و اگر روز جمعه است غسل جمعه را نیز به نیت اضافه نموده، برای همه آنها یک غسل انجام دهد.^{۳۰}

۱۰ - صدقه

مستحب است مسافر در آغاز حرکت، صدقه دهد و آیه الکرسی بخواند.^{۳۱}
امام صادق -ع- فرمود: «صدقه بده و هر روزی که خواستی خارج شو.»^{۳۲}
و نیز دو رکعت نماز بخواند و بگوید:

«اللهم انی استودعک نفسی و اهلی و مالی و ذریتی و دنیای و آخرتی و امانتی و خاتمة عملی»؛^{۳۳} «خداوندا! خود، خانواده، پول، فرزندانم، دنیا، آخرت، امانت و پایان کارم را به تو می سپارم.»

آنگاه همسر و فرزندان را در اتاق گرد آورده، بگوید:

«اللهم انی استودعک الغداة نفسی و مالی و اهلی و ولدی و الشاهد منا و الغائب، اللهم اجعلنا فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک ولا تغیر ما بنا من عافیتک و فضلك.»^{۳۴}

«بار خدایا: همانا من [از] فردا، خود و مال و خانواده و فرزندانم، -چه آنان که نزد من اند، و چه آنان که نیستند - همه را به تو می سپارم. پروردگارا! ما را در کنار خود قرارمان ده، و نعمتهایت را از ما مگیر و آنچه از سلامتی و فضل تو در اختیار ماست، تغییر مده.»

و زمانی که از در خانه بیرون می رود، در آستانه در ایستاده، سوره های حمد و معوذتین، قل هو الله احد، آیه الکرسی را در پیش رو و سمت راست و چپ بخواند و بگوید:



«اللهم احفظني و احفظ ما معي، و سلّمني و سلّم ما معي، و بلّغني و بلّغ ما معي
ببلاغك الحسن الجميل»؛^{۳۵} خداوندا! مرا و آنچه با من است نگهدار، و مرا و آنچه
با من است سالم بدار، و مرا و آنچه با من است با صورتی نیکو و زیبا به مقصد
برسان.

امام سجاد - ع - فرمود: هرگاه بنده‌ای از بندگان خداوند از خانه خارج می‌شود، شیطان
سر راهش می‌آید، اگر گفت: «بسم الله...» دو فرشته [نگهبان برای انسان] به او گویند: «خود
را کفایت کردی» و اگر گوید: «أمنت بالله» «به خدای ایمان دارم» گویند: هدایت شدی و راه
یافتی، پس اگر گوید: «توكلت على الله» «بر خدای توکل کردم» گویند: محفوظ ماندی، آنگاه
شیطان از او دست کشیده، آنجا را ترک می‌کند و می‌گوید: چگونه از کسی که هدایت شده،
محفوظ مانده، و کفایت شده برای ما سودی حاصل خواهد شد؟^{۳۶}

ذیل این روایت دارد: «يا ابا حمزة: ان تركت الناس لم يتركوك و ان رفضتهم لم يرفضوك
قلت: فما أصنع؟ قال: اعطهم من عرضك ليوم ففرك و فافتك.»

در روایت دیگری امام صادق -ع- فرمود: هنگامی که به قصد حج و عمره از خانه خود بیرون آمدی - انشاء الله - ، پس دعای فرج را بخوان و آن دعا این است:

«لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السموات السبع، ورب الارضين السبع، ورب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين.»

۱۱ - بی خبر به مسافرت نروید

امام صادق -ع- به نقل از پیامبر -ص- فرموده‌اند: مسلمانی که قصد مسافرت دارد باید برادران دینی خود را از قصد خویش آگاه سازد، و متقابلاً این حق را ایجاد می‌کند که موقع بازگشت برادران ایمانی به دیدار او بیایند.^{۳۷}

۱۲ - بدرقه مسافر

مستحب است مسافر را دوستان و بستگانش بدرقه کنند.

همچنین مستحب است برای مسافر دعا کنند. پیامبر -ص- هرگاه مؤمنان را بدرقه می‌نمود، با آنان خداحافظی کرده، می‌فرمود: «خداوند بر تقوای شما بیفزاید و به سوی هر خیری شما را راهنمایی کند، و حاجات شما را برآورد، و دین و دنیای شما را سالم بدارد و شما را صحیح و سالم بازگرداند.»^{۳۸}

امام صادق -ع- برای گروهی از اصحاب خود که پیاده عازم حج بودند، دعا کرده، فرمود: «خداوند! آنان را بر قدم‌هایشان استوار بدار و شریان‌های ایشان را آرام دار (قوت قلب به آنان عنایت کن).»^{۳۹}

آنگاه که اباذر را به تبعیدگاه می‌بردند، علی، حسن و حسین -علیهم‌السلام- و عقیل پسر ابیطالب، عبدالله بن جعفر، و عمار یاسر او را بدرقه کردند و علی -ع- خطاب به آنان فرمود: با برادران اباذر خداحافظی کنید؛ زیرا مسافر ناچار باید به راه خود برود، و بدرقه کننده ناگزیر است که باز گردد.^{۴۰}

۱۳ - انتخاب همراه

لذت سفر آنگاه افزون خواهد شد که انسان، رفیق و همنشین صمیمی برای خود

برگزینند تا سختی‌های سفر بر او هموار گردد. پیامبر - ص - به مسافران توصیه می‌فرمود: ابتدا رفیق راه را انتخاب کنید آنگاه مسافرت بنمایید «الرفیق ثم السفر».^{۴۱}

و در سخنی دیگر به امیر مؤمنان علی - ع - فرمود: «به تنهایی سفر مکن، که همانا شیطان با شخص تنهاست، و او از دو نفر دورتر است و فاصله دارد. ای علی، همانا مردی که تنها مسافرت کند در معرض گمراهی است، دو نفر نیز چنین‌اند، اما آنگاه که به سه رسیدند، گروه و کاروان به حساب می‌آیند».^{۴۲}

رسول خدا - ص - سه نفر را لعنت فرمود: ۱ - آن کس که تنها غذا بخورد ۲ - کسی که در خانه‌ای تنها بخوابد ۳ - سواری که در دشت و بیابان تنها حرکت کند.^{۴۳}

اسماعیل بن جابر گفت: در مکه خدمت امام صادق - ع - بودم. مردی از اهالی مدینه خدمت آن حضرت آمد، حضرت از او سؤال کردند: چه کسی همراهت بود؟ پاسخ گفت: با کسی همسفر نبودم. امام صادق - ع - فرمود: «اگر من بر تو فرمان می‌راندم، نیکو ادب می‌کردم. سپس فرمود: یکی شیطان است، دوتا نیز شیطانند، سه نفر یاران و چهار نفر رفیقانند».^{۴۴}

این روایت، بخوبی نشان می‌دهد که پیشوایان دین، مردم را به داشتن همراه در سفر ترغیب و تشویق می‌کرده‌اند. و در حدیثی دیگر رسول خدا - ص - از کسی که تنها مسافرت کند، با عنوان «بدترین مردم» یاد کرده است.^{۴۵}

۱۴ - هم‌شانی در مسافرت

در انتخاب رفیق سفر لازم است دقت نموده، همراهانی هم‌شان و هم‌طراز را برگزینند تا در سفر به او خوش بگذرد. اسحاق بن جریر گفت: امام صادق - ع - پیوسته می‌فرمود: «با کسی همراه شوید که از همراهی با او احساس زینت و سرافرازی کنید و با آنان که همین احساس را نسبت به شما دارند همراه نشوید».^{۴۶}

شهاب بن عبد ربّه گوید: به امام صادق - ع - گفتم: شما وضعیت من، و دوست گرفتنم و بخششی که نسبت به برادرانم دارم را می‌دانید، با گروهی از این دوستان در راه مکه همسفر می‌شوم و نسبت به آنان بذل و بخشش می‌کنم و امور معاششان را توسعه می‌دهم. امام فرمود: «ای شهاب چنین مکن؛ زیرا که اگر تو دست‌بازی نسبت به آنان نشان دهی و آنان نیز



چنین کنند، نسبت به آنان ستم کرده‌ای، و اگر امساک نموده، چیزی به آنان ندهی، خوارشان گردانیده‌ای، پس افرادی چون خود را همراه گیر، و با همسنگ خود همراه باش.»^{۴۷}

امام باقر - ع - نیز فرمود: «با مثل خودت مسافرت کن، و با کسی که مخارج تو را تأمین می‌کند همراه مباش؛ زیرا این عمل موجب ذلت و خواری مؤمن است.»^{۴۸}

حسین بن ابی العلاء گفت: همراه با بیست و اندی مرد به سوی مکه حرکت کردم، و در هر منزلی گوسفندی برای آنان سر می‌بریدم، آنگاه که می‌خواستم خدمت امام صادق - ع - داخل شوم، حضرت خطاب به من فرمود: ای حسین، مؤمنان را ذلیل می‌کنی؟ گفتم: از چنین کاری به خدا پناه می‌برم. امام فرمود: به من خبر داده‌اند که در هر منزلی گوسفندی قربانی می‌کنی؟ گفتم: از این کار، هدفی جز خدا نداشته‌ام، فرمود: آیا ندانستی که در میان همراهان تو افرادی هستند که دوست می‌دارند همچون تو عمل کنند لیکن توان آن را ندارند و احساس خود کوچک بینی و شکستگی روحی، می‌کنند؟! گفتم: از خدا طلب مغفرت دارم و دیگر چنین نکردم.»^{۴۹}

در تعداد همسفر نیز باید دقت کرد مستحب است از چهار تا هفت نفر بیشتر نباشند. رسول خدا فرمود: محبوبترین یاران نزد خداوند - عزوجل - چهار نفرند و هیچ گروهی از هفت نفر افزون نشوند مگر آن که هیاهو و جار و جنجالشان بسیار می‌شود.^{۵۰}

۱۵ - یادآوری نعمت‌های خداوند

راهی حج، آنگاه که سوار بر مرکب می‌شود، مستحب است نعمت‌های خداوند را به یاد آورده، سپاسگزاری نماید و بگوید: «الحمد لله الذی هدانا للإسلام، و علمنا القرآن، و من علینا بمحمد - ص - سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنّا له مقرنین و انا الی ربنا منقلبون، و الحمد لله رب العالمین...»^{۵۱}

علی بن ابیطالب - ع - فرمود: هر کس بر مرکب سوار شده، نعمت‌هایی را که خداوند به او داده به یاد آورد و آیه: «سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنّا له مقرنین...» را بخواند و بگوید: «استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و أتوب الیه، اللهم اغفر لی ذنوبی، انه لا یغفر الذنوب الا أنت.» مولای بخشنده و کریم گوید: «ای فرشتگان من، بنده من می‌داند که گناهان را جز من

کسی نمی‌بخشد. شما شاهد باشید که من گناهان او را آمرزیدم.»^{۵۲}

۱۶- دعا و ذکر در حال حرکت

پیمودن راه‌های زمین و آسمان همراه با فراز و نشیب و اوج و فرود است، اتومبیل به مناطق کوهستانی که می‌رسد، جاده‌های پر پیچ و خم کوهستان را طی کرده بالا می‌رود و پس از رسیدن به قله، سرازیر می‌شود، هواپیما نیز از فرودگاه برمی‌خیزد، اوج می‌گیرد و با رسیدن به مقصد فاصله خود را با زمین کم نموده، در فرودگاه به زمین می‌نشیند. زائر در تمامی این مراحل سزاوار است یاد خدا را زیر لب زمزمه کند.

رسول خدا - ص - آنگاه که در مسیری بالا می‌رفت «الله اکبر» و زمانی که فرود می‌آمد: «سبحان الله» می‌گفت.^{۵۳}

حذیفه بن منصور گوید: همراه با امام صادق - ع - به طرف مکه حرکت کردیم. پس از نماز حضرت فرمود: «اللهم خل سبیلنا و أحسن تیسیرنا و أحسن عافیتنا» و هرگاه از بلندی بالا می‌رفت می‌فرمود: «اللهم لك الشرف علی كل شرف».^{۵۴}

در بین راه، برخی مناطق، همچون گردنه‌های صعب‌العبور و راه‌های پر پیچ و خم خطرناک و ترس‌آفرین‌اند. امام صادق - ع - فرمود: «اگر به جایی رسیدی که ترسانی، این آیه را بخوان: «رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً»».^{۵۵}

برخی از برادران رسول خدا - ص - نزد آن حضرت آمده، اظهار داشتند ما به قصد تجارت عازم شام هستیم به ما بیاموزید چه بگوییم. پیامبر فرمود: آنگاه که مسافر در بین راه به منزلی فرود آمد نماز عشا را خوانده و به هنگام خوابیدن، تسبیحات حضرت فاطمه - سلام الله علیها - را بگوید و سپس آیه‌الکرسی را بخواند. پس همانا تا به صبح از هر بلایی مصون خواهد ماند.»^{۵۶}

امام سجاد - ع - فرمود: اگر کسی پیاده حج کند و سورة انا انزلناه فی لیلة القدر را بخواند، سختی پیاده‌روی را احساس نکند.»^{۵۷}

امام صادق - ع - به آن کس که تنها سفر کند، دستور داده‌اند به هنگام سفر این دعا را بخواند: «ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله، اللهم آمن وحشتی و أعنی علی وحدتی، و أدعیته.»^{۵۸}

۱۷ - مسافرت در شب

انتخاب شب برای مسافرت، توصیه رسول خدا - ص - است. امام صادق - ع - به نقل از پیامبر - ص - فرمود: «بر شما باد مسافرت در شب؛ زیرا زمین در شب در نور دیده می‌شود.»^{۵۹} قسمت پایانی شب برای آغاز سفر بهتر است؛ زیرا خداوند ابتدای شب را برای آسایش و راحتی انسان قرار داده، تا بدن استراحت لازم را داشته، و روح نشاط خود را بازیابد. علی - ع - به معقل فرمود: چون شب را آسودی، هنگام سحر و یا دمیدن فجر، در پناه برکت خداوند، سفر را آغاز کن.^{۶۰}

۱۸ - شراکت در هزینه‌ها

مستحب است مسافران همدل، پول و توشه خود و همراهان را یکجا جمع نموده، سپس از آن برداشت کرده، خرج کنند. این عمل برای اخلاق و رفتار آنان نیکوتر، و برای روح و جانیشان پاکیزه‌تر است.^{۶۱} این ویژگی با سیستم کنونی، که کلیه هزینه‌ها از سوی سازمان حج و زیارت تأمین می‌شود، بخوبی سازگار است و دیگر مسافرت‌های دسته‌جمعی از این قبیل را نیز شامل می‌شود.

۱۹ - حفظ پول و ااثیه

مسافر باید حافظ و نگاهبان پول و ااثیه خود باشد تا در طول سفر دچار مشکل نشود، صفوان جمال به امام صادق - ع - گفت: می‌خواهم به حج بروم، خانواده من نیز همراه من است، پول و هزینه سفرم را در همیانی که دارم بگذارم؟ و آن را به کمر ببندم؟ امام فرمود: بله، پدرم پیوسته می‌فرمود: از توانمندی مسافر اینست که بتواند پول [و وسایل] خود را حفظ کند.^{۶۲}

۲۰ - همراه داشتن مواد خوراکی

در سفر حج و عمره، از پاکیزه‌ترین خوراکی‌ها و بهترین مواد همچون بادم، شکر و سویق و آرد نرم الک نکرده، توشه بردارید که علی بن الحسین - ع - چنین می‌کرد.^{۶۳}

امام صادق -ع- نیز فرمود: جوانمردی در سفر عبارت است از فراوانی و خوبی توشه و بذل و بخشش آن به همراهان و پنهان نگهداشتن اسرار همسفران ...^{۶۴}
امام سجاد -ع- به نقل از رسول خدا -ص- فرمود: از بزرگواری مرد آن است که توشه سفر خود را پاکیزه و شیرین و گوارا سازد.

۲۱- نیازمندیهای سفر

مستحب است مسافر نیازمندیهای سفر را همچون: آینه، شانه، مسواک، دارو، درفش و نخ، سرپایی، ظرف آب، لباس، و ...^{۶۵} با خود بردارد.
در روایت آمده است: پیامبر -ص- هرگاه به سفر می‌رفت چند چیز را همراه خود برمی‌داشت: ۱- آینه ۲- سرمه‌دان ۳- شانه ۴- مسواک.^{۶۶}
امام صادق -ع- به مسافران توصیه فرمودند: مقداری تربت سالار شهیدان را با خود برداشته، آن را بوسیده، بر چشمانشان بگذارند سپس این دعا را بخوانند: «اللهم انی أسألك بحق هذه التربة، و بحق صاحبها، و بحق جدّه و بحق ابيه و بحق اُمّه و اُخیه، و بحق وُلده الطاهرین، اجعلها شفاء من کل داء، و اماناً من کل خوف، و حفظاً من کل سوء.» سپس تربت را در جیب خود بگذارد، چنین انسانی پیوسته در پناه خداوند است.^{۶۷}

۲۲- کمک به دیگران

مستحب است مسافر به همراهان خود در طول سفر کمک کند. رسول خدا -ص- فرمود: کسی که مسافر مؤمن را یاری دهد، خداوند هفتاد و سه گرفتاری او را حل می‌کند.^{۶۸}
امام سجاد -ع- بیشتر اوقات با کسانی به مسافرت می‌رفتند که آن حضرت را نمی‌شناختند و با آنها شرط می‌کرد تا در طول سفر، به آنان کمک کند. در یکی از این سفرها، مردی حضرت را شناخت و به همراهان خود، آن حضرت را معرفی کرد، آنان هراسان خدمت امام سجاد -ع- آمده دست و پای ایشان را بوسیده، عذر خواهی کردند.^{۶۹}
پیامبر -ص- فرمود: «سید القوم خادمهم فی السفر»؛ بزرگ یک ملت آن کس است که در مسافرت به دیگران کمک کند.



۲۳ - جوانمردی در سفر

مستحب است مسافران در سفر جوانمردی از خود نشان دهند. رسول خدا - ص - تلاوت قرآن، و حضور دائم در مساجد، و همراهی با برادران در حل حوائج و نیازهای آنان را نشانه فتوت و جوانمردی در وطن، و فراوانی و خوبی توشه و بخشش آن به همسفران، و کتمان اسرار همراهان، و خوش خلقی، و شوخی بدون معصیت را علائم جوانمردی در سفر دانسته‌اند.^{۷۰}

لقمان به فرزندش فرمود: اگر با گروهی مسافرت کردی، در کار خود و آنان فراوان مشورت کن، در چهره آنان فراوان لبخند بزن، از خوراکی‌ها و توشه‌هایی که همراه داری بر آنان ببخش و با آنان کریمانه عمل کن، دعوت آنان را پاسخ گوی و اگر از تو یاری خواستند، آنان را کمک کن. اگر در کار حق از تو شهادت خواستند، شهادت ده، آنگاه که همراهان تو پیاده راه می‌پیمایند با آنان همراهی کن، و آن زمان که آنان به کاری مشغولند، با آنان کار کن، سخن سالمندانی که سن آنان از تو بیشتر است را پذیرا باش، اگر تو را به چیزی امر نمودند، پیروی کن و اگر چیزی از تو خواستند پاسخ مثبت ده و جواب منفی به آنان مده.^{۷۱}

۲۴ - اقامه نماز

لقمان حکیم به فرزندش وصیت کرده، فرمود: فرزندم! آنگاه که وقت نماز فرا رسید، آن را بخاطر چیزی تأخیر مینداز، نماز را بجای آر و خود را از این دین رها ساز، نماز را به جماعت بخوان گرچه مکان برای نماز تنگ باشد، «گویی بر نوک نیزه ایستاده‌ای»، هرگاه به نزدیکی منزلی رسیدی از مرکب فرود آی و ابتدا مرکب را رسیدگی کن (در آن زمان اسب و شتر بود و به آنان علوفه می‌دادند، و در این زمان اتومبیل است و نیاز به بنزین و روغن دارد) در سرزمینی فرود آی که سبزه‌زار و خوش‌منظر و آرام بوده، خاکی نرم داشته باشد - سنگلاخ نباشد - . و آنگاه که فرود آمدی، قبل از نشستن دو رکعت نماز بخوان ... اگر می‌توانی غذا نخوری تا از آن به دیگران صدقه دهی، اینچنین کن. تا زمانی که سواره‌ای، قرآن بخوان، و هرگاه فراغت یافتی دعا کن. در آغاز شب حرکت نکن، و بجای آن از پایان شب بهره بگیر، و در طول راه صدایت را بلند نکن.^{۷۲}

۲۵ - مراعات حال دیگران

در تابستان و در هوای گرم، در صفوف نماز جماعت و یا جلساتی که حاجیان شرکت می‌کنند، سزاوار است مراعات حال دیگران را بکنند. پیامبر - ص - فرمود: سزاوار است نشستگان در تابستان بگونه‌ای بنشینند که میان هر دو نفر به اندازه بلندی یک ذراع فاصله باشد تا گرفتار رنج و زحمت نشوند. ۷۳

۲۶ - وفاداری

امام صادق - ع - فرمود: امام سجاد - ع - هنگام رحلت، به فرزندشان امام باقر - ع - فرمودند: من با این شتر بیست مرتبه به حج رفته‌ام، اما به او تازیانه‌ای نزده‌ام، هنگامی که او مرد، لاشه‌اش را به خاک بسپارید تا درندگان گوشتش را نخورند ... پس آنگاه که شتر مرد، امام باقر - ع - گوری بساخت و او را دفن کرد. ۷۴

۲۷ - مدارا با بیماران

پیامبر - ص - فرمود: اگر یکی از شما در مسافرت بیمار شد تا سه روز نزد او بمانید (و او را تنها نگذارید) ۷۵

۲۸ - کوتاهی سفر

مسافران پس از پایان یافتن کار و حاجی پس از خاتمه اعمال، زودتر نزد خانواده خویش بازگردند، امام سجاد - ع - فرمود: سفر پاره‌ای از عذاب و ناراحتی است، هر یک از شما که سفرش پایان پذیرفت (و کارش تمام شد) در بازگشت به سوی خانواده‌اش بشتابد. امام صادق - ع - نیز فرمود: از محلی به محل دیگر رفتن، زاد و توشه را به پایان رسانده، اخلاق را بد و لباس را ژنده می‌نماید.

۲۹ - سوغات

هنگام بازگشت از سفر، برای زن و فرزندانان هدیه‌ای به همراه بیاورید. امام



صادق - ع - فرمودند: به هر مقدار که توان مالی دارید هر چند یک سنگ، برای زن و فرزندان هدیه بیاورید. ۷۶

۳۰ - استقبال حاجی در برگشت

مردم حاجیان را هنگام عزیمت به بیت الله الحرام بدرقه می‌کنند و پس از مراجعت نیز به استقبال و دیدار آنان می‌روند. این سنت حسنه در روایات مورد تأکید قرار گرفته از آن به عنوان امری مستحب یاد شده است.

امام صادق - ع - به نقل از امام سجاد - ع - می‌فرمود: به حاجی و عمره‌گزار قبل از آن که آلوده به گناه شود، سلام کرده، با آنان مصافحه کنید. ۷۷

و در روایتی دیگر امام سجاد - ع - توصیه فرموده که حجاج و عمره‌گزاران را گرمی بدارند. ۷۸

امام باقر - ع - فرمود: گرمی داشتن حاجی و معتمر، بر شما واجب است. ۷۹

امام صادق - ع - نیز فرمود: کسی که با حاجی تازه از سفر آمده، معانقه کند مانند آن است که حجرالاسود را لمس کرده باشد. ۸۰

علی - ع - نیز فرمود: هنگامی که برادر شما از مکه بازگشت، میان دو چشم او، و دهانش را که با آن حجرالاسودی را که پیامبر - ص - بوسیده، بوسیده است، بوسه زنید. و نیز چشمی که به خانه خدا نگاه کرده، و جایگاه سجده و صورت رسول خدا - ص - را بوسیده، ببوسید و هنگام خوش آمدگویی، به او بگویید: خداوند اعمال حج تو را قبول کند، سعیت را بر تو ببخشد، و آنچه هزینه کردی به تو عوض دهد، و این حج را نیز آخرین حج تو قرار ندهد. ۸۱

حج نورانیتی برای حاجی به ارمغان می‌آورد و تا زمانی که آلودگی به گناه پیدا نکرده، آن نور در چهره او می‌ماند. ۸۲

● پی‌نوشتها:

۱ - غافر: ۴۰

۲ - وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۳؛ فقیه، ج ۲، ص ۱۷۳ و ۷۶۳

- ٣- قال رسول الله -ص-: «سافروا تصحُّوا...» وافى، ج ١٢، ص ٣٥١؛ فقيه، ج ٢، ص ١٧٣
- ٤- وسائل الشيعه، ج ١١، ص ٣٦٥
- ٥- مصباح الشريعة.
- ٦- تحریم: ٨
- ٧- هود: ٣
- ٨- مناجات التائبين، مفاتيح الجنان، ص ٢١٨، چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامي ١٣٦٩
- ٩- بيّنه: ٤
- ١٠- سنن نسائي، ج ٦ ص ٢٥؛ صحيح بخاري، ج ٤، ص ٢٠؛ صحيح مسلم، ج ٦ ص ٤٦
- ١١- الميزان، ج ٥، ص ٤٣٣
- ١٢- وسائل، ج ٨، ص ٧٦
- ١٣- وافى، ج ٢، ص ٤٧
- ١٤- فيض القدير ١: ٣٢٨.
- ١٥- مؤمنون: ٥١
- ١٦- بقره: ١٧٢
- ١٧- هداية السالك، ج ١، ص ١٣٧
- ١٨- تفسير طبري، ج ٤، ص ١٦٦؛ در المنثور، ج ١، ص ٢٢١- ٢٢٠
- ١٩- هداية السالك، ج ١، ص ٢٩٥
- ٢٠- ابن قدامه، المغنى، ج ٣، ص ٢٢١
- ٢١- وسائل، ج ١١، ص ٣٧
- ٢٢- همان، ص ٣٨
- ٢٣- جواهر الكلام، ج ١٧، ص ٢٧٣
- ٢٤- جمعه: ٦٢
- ٢٥- وسائل الشيعه، ج ١، ص ٣٤٧، ح ١٤٩٨٢
- ٢٦- فقيه، ج ٢، ص ٧٧٤/١٧٤
- ٢٧- فقيه، ج ٢، ص ٧٦٨/١٧٣
- ٢٨- وسائل الشيعه، ج ١١، ص ٣٥٨
- ٢٩- الخصال، ص ٩٥/٣٩٣
- ٣٠- وسائل، ج ١١، ص ٣٦٩، ح ١٥٠٣٩ و ١٥٠٤٠
- ٣١- محاسن، ص ٣٤٨، ح ٢٣١
- ٣٢- محاسن، ص ٣٤٨، ح ٢٣
- ٣٣- همان، ص ٣٧٩، ح ١٥٠٦٤
- ٣٤- همان، ص ٣٨٠، ح ١٥٠٦٥؛ كافي، ج ٤، ص ٢٨٣، ح ٢
- ٣٥- كافي، ج ٢، ص ٥٤٣، ح ٩، چاپ بيروت
- ٣٦- كافي، ج ٢، ص ٤١، چاپ بيروت
- ٣٧- وسائل، ج ١١، ص ٤٤٨، ح ١٥٢٢٧؛ كافي، ج ٢، ص ١٧٤، ح ١٦
- ٣٨- فقيه، ج ٢، ص ١٨٠، ح ٨٠٥

- ٣٩- وسائل الشيعه، ج ١١، ص ٤٠٨، ح ١٥١٢١؛ محاسن، ص ٢٥٥، ح ٥٤
- ٤٠- وسائل، ج ١١، ص ٤٠٥، ح ١٥١١٥
- ٤١- وسائل، ج ١١، ص ٤٠٨، ح ١٥١٢٣
- ٤٢- همان، ص ٤١٠، ح ١٥١٢٧؛ در مجمع البحرين أمدّه: ... النّفَر بالتحريك، و هم عدّة رجال، قيل من ثلاثة الى عشرة، و قيل الى سبعة، ولا يقال: نَفَر فيما زاد على العشرة. و النّفير مثله. وفي الحديث: «إذا سافر الزّجل وحده فهو غاوٍ والإثنان غاويان و الثلاثة نَفَرٌ؛ أى جماعه و روى سَفَرُ أى زَكَبُ.
- ٤٣- همان، ص ٤١٠، ح ١٥١٢٩
- ٤٤- همان، ص ٤١١، ح ١٥١٣٠
- ٤٥- همان، ص ٤٠٩، ح ١٥١٢٦
- ٤٦- وسائل، ج ١١، ص ٤١٢، ح ١٥١٣٣
- ٤٧- وسائل، ج ١١، ص ٤١٣
- ٤٨- همان، ح ١٥١٣٩
- ٤٩- وسائل، ج ١١، ص ٤١٤، ح ١٥١٤٢
- ٥٠- وسائل، ج ١١، ص ٤١٦
- ٥١- قرب الاسناد، ص ٣٢؛ وسائل، ج ١١، ص ٣٨٧، ح ١٥٠٨٠
- ٥٢- همان، ص ٣٨٩؛ فقيه، ج ٢، ص ١٧٨، ح ٧٩٥
- ٥٣- وسائل، ج ١١، ص ٣٩١، ح ١٥٠٨٨؛ فقيه، ج ٢، ص ١٧٩، ح ٧٩٦
- ٥٤- وسائل، ج ١١، ص ٣٩٣، ح ١٥٠٩٢؛ كافي، ج ٤، ص ٢٨٧، ح ١
- ٥٥- الاسراء: ٨٠
- ٥٦- وسائل الشيعه، ج ١١، ص ٣٩٥، ح ١٥٠٩٦؛ محاسن، ص ٣٦٨، ح ١٢٠
- ٥٧- وسائل الشيعه، ج ١١، ص ٣٩٦، ح ١٥٠٩٩؛ مكارم الأخلاق، ص ٢٤٢
- ٥٨- همان، ص ٣٩٧؛ ح ١٥١٠١؛ كافي، ج ٤، ص ٢٨٨، ح ٤
- ٥٩- كافي، ج ٨، ص ٣١٤، ح ٤٨٩
- ٦٠- نهج البلاغه، نامه ١٢
- ٦١- وسائل، ج ١١، ص ٤١٣
- ٦٢- همان، ص ٤١٩
- ٦٣- وسائل، ج ١١، ص ٤٢٣، ح ١٥١١١
- ٦٤- همان، ص ٤٢٤، ح ١٥١٦٢
- ٦٥- وسائل، ج ١١، ص ٤٢٥، ح ١٥١٦٥
- ٦٦- وسائل، ج ١١، ص ٤٢٦، ح ١٥١٦٧
- ٦٧- همان، ص ٤٢٨، ح ١٥١٧٣
- ٦٨- وسائل، ج ١١، ص ٤٢٩، ح ١٥١٧٩
- ٦٩- همان، ص ٤٣٠، ح ١٥١٧٧
- ٧٠- وسائل، ج ١١، ص ٤٣٦، ح ١٥١٩٧؛ عيون اخبار الرضا، ج ٢، ص ٢٧، ح ١٣٧
- ٧١- فقيه، ج ٢، ص ١٩٤، ح ٨٨٤
- ٧٢- فقيه، ج ٢، ص ١٩٤، ح ٨٨٤

- ٧٣- وسائل، ج ١٢، ص ١٤؛ كافي، ج ٢، ص ٦٦٢، ح ٨
 ٧٤- ثواب الاعمال، ج ١، ص ٧٤
 ٧٥- وسائل، ج ١١، ص ٤٥٢
 ٧٦- وسائل، ج ١١، ص ٤٥٩، ح ١٥٢٥٩
 ٧٧- كافي، ج ٤، ص ٢٥٦، ح ١٧؛ فقيه، ج ٢، ص ١٤٧، ح ٦٤٨
 ٧٨- محاسن، ص ٧١، ح ١٤٢
 ٧٩- فقيه، ج ٢، ص ١٤٧، ح ٦٤٩
 ٨٠- فقيه، ج ٢، ص ١٩٦، ح ٨٩١؛ محاسن، ص ٣٧٧، ح ١٤٩
 ٨١- وسائل، ج ١١، ص ٣٤٧، ح ١٥٢٢٤؛ خصال، ص ٦٣٥
 ٨٢- محاسن، ص ٧١، ح ١٤٣

